گالری جهان

واشنگتن‌تایمزویکلی
رئیس‌جمهور متفاوت، پترائوس متفاوت

هفته گذشته ژنرال پترائوس به عنوان فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان راهی این منطقه شد و جای ژنرال مک‌کریستال را گرفت. هفته‌نامه واشنگتن‌تایمز که در روزهای دوشنبه منتشر می‌شود، پرونده‌های مفصلی درباره بازگشت از مک‌کریستال به پترائوس ترتیب داده که خواندنی و قابل توجه است. مسوولان این ضمیمه هفتگی روزنامه واشنگتن‌تایمز روی جلد و در کنار تیتر «رئیس‌جمهور متفاوت، پترائوس متفاوت می‌سازد» به تغییر و تحولات نظریات رئیس‌جمهور درباره افغانستان اشاره می‌کند و می‌نویسد: «سال ۲۰۰۷، اوباما از جریان‌های افغانستان راضی نبود، احساس شکست می‌کرد و در سخنرانی عمومی خود گفت: «این [جنگ افغانستان] مصیبت دیپلماسی خارجی امریکا است.» و امسال در ماه ژوئن و در معارفه دوباره ژنرال پترائوس می‌گوید: «بسیار خرسندم که او [ژنرال پترائوس] موافق حضور در افغانستان است و مسوولیت این حضور را می‌پذیرد.» عکس جلد واشنگتن‌تایمزویکلی هم ژنرال پترائوس را در کنار اوباما نشان می‌دهد.

گاردین؛ ائتلاف شکل گرفته که بماند

تیتر یک روزنامه گاردین درباره سوژه این روزهای فضای سیاسی بریتانیا است؛ اتحاد و ائتلاف دولتی لیبرال- محافظه‌کار. مدت‌ها از این پیوند عجیب و غریب سیاسی قدرت انگلیس گذشته اما روزنامه‌های این کشور از جمله گاردین به تناوب روی آن و البته موضوعی مثل کاهش بودجه و شیوه جدید زندگی بریتانیایی زوم می‌کنند. گاردین از قول نیک کلگ دبیر حزب لیبرال‌دموکرات و معاون کامرون تیتر می‌زند: «این ائتلاف [لیبرال- محافظه‌کار] شکل گرفته که پایدار باشد و بماند». کلگ در گفت‌وگویی اختصاصی با روزنامه گاردین می‌گوید: «دیگر دوران قدرت‌ها و سیاست‌های قبیلگی تمام شده و باید با شرایط جدید کنار آمد و آن را پذیرفت.» هفته گذشته کلگ بزرگ‌ترین خواسته حزب لیبرال‌دموکرات‌های انگلیس را مطرح کرد و با واکنش تند و تیز دیگر سیاستمداران مواجه شد. او و حزبش تصمیم دارند تا سال دیگر رفراندوم اصلاح قانون اساسی انگلیس را برگزار کنند. عکس یک گاردین هم تعدادی پلیس مسلح بریتانیا را نشان می‌دهد که تلاش می‌کنند فردی به نام رائول مات را هدف بگیرند. رائول مات متهم مسلحی است که هفته گذشته از چنگ پلیس فرار کرده است.

نشنال‌نیوز
دانش‌آموزانی که می‌ترسند بترشند

تیتر و گزارش یک روزنامه نشنال‌نیوز چاپ امارات جالب و قابل توجه است. این گزارش مربوط است به معضل داخلی و اجتماعی جامعه سنتی امارات. مردان و زنان اماراتی برای ازدواج و تشکیل خانواده دچار تعارض شده‌اند. اختلافات فرهنگی مهم‌ترین مساله آنها است. فرقی نمی‌کند چه زنان و چه مردان اماراتی که کشور را ترک کرده‌اند و برای تحصیل به خارج از امارات رفته‌اند، بعد از بازگشت نتوانسته‌اند با هموطنان‌شان ازدواج کنند. خواسته‌ها و تفکرات‌شان عوض شده است. به همین خاطر نشنال‌نیوز تیتر زده: «دانش‌آموزانی که می‌ترسند بترشند». عکس یک این روزنامه هم معطوف به ماجرایی داخلی است. عکس، کف دست پیرمردی را نشان می‌دهد که گرد سفیدی روی آن نشسته. مدتی است دهکده قلیله در راس‌الخیمه برای زندگی، نامناسب و آلوده به نظر می‌رسد. کارخانه‌های تولید سیمان این دهکده باعث شده هوای زیست اهالی این دهکده آلوده باشد و ذرات سیمان روی شیشه و در و دیوار خانه‌هایشان بماسد و بنشیند. قلیله در حکم یکی از منابع اقتصادی امارات است اما اهالی‌اش حال و روز خوبی ندارند. در صفحه اول نشنال‌نیوز خبر و گزارش مبادله جاسوس‌های روسی- امریکایی با یکدیگر هم منتشر شده است.

بانکوک‌پست
راه‌اندازی تلویزیون منتقدان در تایلند

گویا تغییرات وعده داده شده نخست‌وزیر به معترضان (پیراهن‌قرمزها) در حال عملی شدن است. این‌طور که بانکوک‌پست در تیتر یک خود خبر می‌دهد، نخست‌وزیر با راه‌اندازی تلویزیون منتقدان و مخالفان موافق است. بخش مهمی از صفحه اول این روزنامه به این گزارش اختصاص دارد. در نیم‌تای دوم خبر کوتاهی است درباره به جریان افتادن پرونده دموکرات‌ها یا همان جبهه متحد دموکراسی علیه دیکتاتوری. عکس یک بانکوک‌پست سوژه جالبی را دنبال کرده است؛ اختاپوس. موجودی که در نیمه دوم کورس جام جهانی، نامش بر سر زبان‌ها افتاد و حالا پدیده شده است؛ پدیده‌ای پیشگو. عکس یک بانکوک‌پست نشان می‌دهد این اختاپوس پیش‌بینی کرده اسپانیا تیم برنده فینال است و آلمان هم اروگوئه را می‌زند و سوم جهان می‌شود. نام این اختاپوس (هشت پا) که در آلمان زندگی می‌کند، پاول است. درباره عکس یک بانکوک‌پست و این اختاپوس بامزه، بخش عکس یک صفحه روزنامه را بخوانید.

گزارش یک

همه آنچه درباره آنارشیست‌ها می‌خواهید بدانید
فوتبال بدون دروازه

ترجمه: عباس زندباف

سوئیس در قلب اروپا از دیرباز پاتوق بین‌راهی مناسبی برای مسافران بوده است از هانیبال و فیل‌هایش گرفته تا هانیبال قذافی. سوئیس برای نویسندگان، هنرمندان و موسیقیدانانی که در میانه سفر در آن بیتوته کرده‌اند، الهام‌بخش بوده است و یادگارهای بسیاری هم از مسافران در این کشور کوهستانی به جا مانده است. اما پیشینه فرهنگی رنگارنگ سوئیس تنها از موقعیت جغرافیایی آن ریشه نمی‌گیرد. سوئیس همواره پناهگاه مخالف‌خوان‌ها بوده است. مثل «پیترو فروا» که در سال ۱۹۵۰ هنگامی که ۱۸ سال بیشتر نداشت به علت سر باز زدن از خدمت سربازی در ایتالیا به ۱۵ ماه زندان محکوم شده بود ولی بی‌درنگ به سوئیس گریخت و در آنجا کتابخانه ویژه افکار آنارشیستی را تاسیس کرد. اما فعالیت‌های سیاسی «فروا» کم‌کم کاسه صبر سوئیسی‌های معروف به رواداری را هم لبریز کرد و مودبانه از او خواستند زحمت را کم کند. فروا در سال ۱۹۶۳ سوئیس را ترک کرد و مرکز بین‌المللی پژوهش‌های آنارشیسم(معروف به «سیرا») را از خود به جا گذاشت. «سیرا» جای شگفت‌انگیزی است و در کنار بیمارستان شلوغ و درندشتی در وسط شهر لوزان قرار دارد. اما وقتی از انبوه درختانی که آن را از خیابان جدا می‌کند بگذرید و پای به درون آن بگذارید دیگر خبری از جهان نوین و پیشرفته نیست. به ساختمانی شبیه خانه‌های روستایی می‌رسید که زیر سایه درخت تنومندی جا خوش کرده است. در مدخل ساختمان نخستین چیزی که توجه آدم را جلب می‌کند تصویر «میخائیل باکونین» آنارشیست سرشناس روسی است. «سیرا» بودجه‌ای برای خرید ندارد و فقط متکی به همت عالی هدیه‌دهندگان است. با توجه به آنکه سالی ۳۰۰ اثر جدید از سراسر جهان وارد این مرکز می‌شود باید گفت آنارشیسم هنوز زنده است و وضع بدی ندارد.«انکل» بخش زیادی از وقت خود را صرف کارهای کتابخانه می‌کند و برای خودش و دیگران تحقیق انجام می‌دهد. فهرست‌برداری از کتاب‌های جدید را هم انجام می‌دهد و گروهی از داوطلبان نیز به او کمک می‌کنند. پیشینه قدیمی‌ترین سندهای این کتابخانه به کمون پاریس در سال ۱۸۷۱ می‌رسد و آثاری از «باکونین»، «اما گولدمن» و «پیتر کروپوتکین» هستند. «کروپوتکین» شاهزاده‌ای آنارشیست بود که «اسکار وایلد» خیلی به او علاقه داشت.«کروپوتکین» مدت زیادی را در زندان گذراند زیرا اعتقاد داشت دهقانان باید از همان حقوق ارضی برخوردار باشند که شاهزادگان برخوردار بودند.«گولدمن» هم به خاطر دیدگاه‌ها و فعالیت‌هایش در حوزه حقوق زنان شهرت دارد و شخصیت‌اش به خوبی در رمان «رگتایم» اثر «ال.دکتروف» به تصویر کشیده شده است. درباره تصرف‌های عدوانی آنارشیست‌ها نیز سندهای بسیاری در این کتابخانه وجود دارد مثل اطلاعات فراوان درباره محله خودمختار «فریتاون کریستیانا» در مرکز کپنهاگ که با تصرف عدوانی پادگانی متروک در سال ۱۹۷۱ شکل گرفت. در میان آثار انگلیسی جزوه جالبی به نام فوتبال آنارشیستی به چشم می‌خورد که تعاونی تولیدات آنارشیستی آلپ در سال ۲۰۰۶ منتشر کرده است یعنی همان سالی که دوره قبلی جام جهانی برگزار شد. در این جزوه آمده است فوتبال نوین نهادی تجاری و در سیطره طبقات متوسط و فرادست است؛ فوتبالی که با سوءاستفاده از رقابت‌جویی طبیعی انسان در پی فروکشتن حس همبستگی بشری و تقویت اقتدار طبقات بالادست است. آنارشیست‌ها با اقتدار و مفهوم دولت مخالف‌اند و از رهایی، برابری و آزادی بیان هواداری می‌کنند. در فوتبال مورد نظر آنارشیست‌ها شکست دادن حریف اهمیتی ندارد و در جزوه فوتبال آنارشیستی نیز کاستن از رقابت را تبلیغ کرده‌اند. برای مثال آنارشیست‌ها به جای مسابقات سنتی، فقط توپ را در زمینی بدون دروازه به این طرف و آن طرف شوت می‌زنند و گل زدن معنایی در آن ندارد. تعداد بازیکنان هم ثابت نیست و هر کس هر وقت دوست داشت وارد بازی می‌شود یا از آن خارج می‌شود. بازی هم آنقدر ادامه می‌یابد که یا همه خسته شوند یا تعداد زیادی از بازیکنان از زمین بیرون بروند. در نوع دیگری از فوتبال آنارشیستی هم بازیکنان به طور مداوم در تیم‌ها جابه‌جا می‌شوند تا هیچ گونه حس وابستگی به تیمی خاص ایجاد نشود. در میانه غوغای جام جهانی چنین فوتبال آشتی‌جویانه‌ای به راستی عجیب می‌نماید. آشنا شدن با چنین دیدگاه‌هایی در کتابخانه تخصصی و منظم آنارشیست‌ها در سوئیس هم عجیب می‌نماید. اما شهروندان سوئیسی در احترام گذاشتن به اقلیت‌ها نیز کم‌نظیر هستند هر چند هوادار نگرش اجتماعی هستند؛ شهروندانی که به خاطر رای دادن به افزایش مالیات و ساعات کار مشهور هستند.

سوئیسی‌ها گر چه به تازگی با ساخت مناره‌های مسلمانان مخالفت کرده‌اند اما از قدیم پناهگاه قربانیان تعصبات مذهبی و پیگردهای سیاسی بوده‌اند. بنابراین شاید در کل تعجبی نداشته باشد که این کتابخانه آنارشیستی نامتعارف را در شهری پیشرفته در سوئیس برپا کرده‌اند. اینجاست که حتی هواداران پرشور فوتبال هم می‌توانند دنیای توپ و تور را فراموش کنند و با گوش سپردن به نغمه پرندگان روی صندلی‌های بنشینند و چرتی بزنند و خواب جهانی را ببینند که در آن آنارشیست‌ها و سرمایه‌داران اختلافات‌شان را به دست فراموشی بسپارند و در بازی ابدی و بدون دروازه فوتبال به یکدلی برسند. این شاید به مذاق «سپ بلاتر» رئیس فدراسیون جهانی فوتبال و متولی برگزاری جام جهانی کنونی خوش نیاید ولی شکی نیست که «کروپوتکین»، «گولدمن» و «اسکار وایلد» خوش‌شان می‌آید. البته از این راهکار در جزوه فوتبال آنارشیستی سخنی نرفته است.

منبع: moreintelligentlife.com

عکس یک هشت‌پای پیشگو

یونانی‌ها می‌خواهند بدانند سرانجام بحران اقتصادی‌ای که گریبان کشورشان را گرفته چیست؟ معضل مالی کشورشان حل می‌شود یا ادامه دارد؟ عراقی‌ها پی نخست‌وزیر آینده‌شان می‌گردند و برخی شهروندان خاورمیانه پرسش‌هایی درباره آینده ناآرامی‌های این منطقه دارند. اگر سری به صفحه فیس‌بوک پاول بزنید با این پرسش‌های مطرح‌شده روبه‌رو خواهید شد. پاول باید جواب همه این علامت سوال‌ها را بداند! یعنی پرسش‌کنندگان انتظار دارند، او جواب‌ها را بداند. پاول همان هشت‌پای به‌تازگی پرآوازه آلمانی است. چه کسی فکر می‌کرد، آلمانی‌های مشهور به منطق و تفکر روزی هشت‌پایی پیشگو رو کنند که نتایج فوتبال را در حد برنده و بازنده اعلام کند؟ آنها پاول را رو کرده‌اند. هشت‌پایی ساکن اوبرهاوزن (غرب آلمان). هشت‌پایی دوسال و نیمه و کم‌اشتباه. در رزومه‌اش آمده، از ۱۲ بازی‌ای که در مسابقات یورو ۲۰۰۸ پیش‌بینی کرده، ۱۱ نتیجه را درست پیش بینی کرده و تنها یک خطا داشته است. هشت‌پا دوباره خطا می‌کند؟ تصویری که اینجا می‌بینید، دو پیشگویی آخر پاول است. آلمان، اروگوئه را می‌برد و اسپانیا قهرمان می‌شود. قطعاً امروز که شما این تصویر را می‌بینید، راست و دروغ پیش‌بینی‌های پاول مشخص شده اما واقعیت چیز دیگری است؛ پاول سرگرمی جدید بنگاه‌های قماربازی و مردم مشتاق است. مردمی تنبل، ساده و مشتاق درباره ندانسته‌ها، آینده و هزاران موضوع دور از دسترس و ندیده و... می‌ماند یک سوال؛ آلمانی‌ها با اعلام خبر پیشگویی‌های پاول جنایت می‌کنند؟ آنها پیش از بازی نیمه‌نهایی آلمان مقابل اسپانیا، خبر باخت آلمان را منتشر کرده بودند. این خبر به اردوی آلمان رسیده بود یا نه؟ اگر تیم ملی آلمان پیش از بازی پیش بینی شکست خود را شنیده است، چه فشاری را باید برای بازی‌اش تحمل کند؟ فکر کنید تیمی تن به بازی بدهد که از قبل می‌داند بازی را باخته! تصور اینکه آلمانی‌ها در قرنطینه هستند و خبر پیش بینی هشت‌پا به آنها نمی‌رسد، سخت است.

عکس: AFP

گالری جهان

ال‌موندو
این اسپانیا یک سالاد درست و حسابی است

از روزنامه آبث گرفته تا ال‌موندو و لاوانگاردیا، تصویر یکی از اعضای تیم ملی اسپانیا را برای صفحه اول خود انتخاب کرده‌اند. حالا روزنامه‌های باسکی و کاتالانی تصویر بازیکنان این منطقه را و روزنامه‌های مادریدی هم عکس مادریدی‌ها را چاپ کرده‌اند. روزنامه مادریدی ال‌موندو، عکس چهارستونی کاسیاس دروازه‌بان و کاپیتان تیم ملی اسپانیا را در صفحه اولش چاپ کرده و از قول او تیتر زده: «این اسپانیا مثل یک سالاد درست و حسابی است». کاسیاس از اینکه تیم ملی‌اش برای اولین بار به فینال مسابقات جام جهانی رسیده و بعد از قهرمانی یورو ۲۰۰۸ می‌تواند حالا قهرمان جام جهانی ۲۰۱۰ هم بشود، خوشحال است و امیدوار. اسپانیا به سختی متحد می‌شود و فوتبال یکی از آن لحظاتی است که می‌تواند به این کشور رنگ همبستگی بدهد. آب کاتالانی‌ها، باسکی‌ها و مادریدی‌ها هرگز با هم توی یک جوی نمی‌رود، هرکدام ساز خودشان را می‌زنند. بازیکنان تیم ملی این کشور هم هنگام خواندن سرود ملی، همراهی نمی‌کنند و زیر لب آن را زمزمه نمی‌کنند. در صفحه اول روزنامه سیاسی ال‌موندو خبر بچه‌دار شدن کریستیانو رونالدو پرتغالی بازیکن تیم فوتبال رئال‌مادرید هم دیده می‌شود. اخبار داخلی اسپانیا با موضوعاتی جز فوتبال هم در صفحه اول ال‌موندو منتشر شده است.

تاگس‌اشپیگل
هرج و مرج ترافیکی قبل از تعطیلات

از این هفته تعطیلات تابستانی آلمانی‌ها شروع می‌شود و بار ترافیکی پایتخت را می‌تواند سنگین‌تر کند. تاگس‌اشپیگل روزنامه آلمانی‌زبان چاپ برلین، این سوژه را برای تیتر و گزارش یک خود انتخاب کرده و خبر می‌دهد پیش از آنکه تعطیلات شروع شود، اوضاع رفت و آمد در خیابان‌های برلین به هم ریخته و نابسامان شده است و هیچ نظم و ترتیبی بر خیابان‌های پایتخت حاکم نیست. عکس یک هم درباره بازی رده‌بندی تیم ملی آلمان در جام جهانی مقابل اروگوئه‌ای‌ها است. تاگس‌اشپیگل با تیتر «ختم دایره» به حلقه اتحاد بازیکنان آلمانی پیش از شروع دو مسابقه اشاره می‌کند. عکس یک این روزنامه این حلقه را نشان می‌دهد. اختاپوس آلمانی‌ها پیش‌بینی کرده آلمان سوم می‌شود اما نکته جالب اینکه خبری از این پیش‌بینی در صفحه اول تاگس‌اشپیگل دیده نمی‌شود. تنها خبری که از اردوی آلمان در شرح عکس تاگس اشپیگل نوشته شده، این است: یواخیم لو آنفلوآنزا گرفته و بیمار است.

عرب‌نیوز؛ بمبگذار شهر را ویران کرد

پیش‌بینی اینکه پاکستان روزهای آرام و بی‌سروصدایی نخواهد داشت، کار سخت و دشواری نیست. وقتی ژنرال مک‌کریستال درباره افغانستان آن حرف‌ها را زد و در نهایت باعث خانه‌نشینی خودش شد، می‌شد فهمید فشار چقدر است و افغانستان متاثر از پاکستان چه باتلاقی است و از آن بدتر اوضاع و احوال پاکستان چگونه است. مدت‌ها بود صفحات اول روزنامه‌های امریکایی پلان جدید مبارزه با تروریسم دولت اوباما و نیروهای نظامی را پیگیری می‌کردند. نتیجه آن بحث‌ها این است که پاکستان دوباره صدای انفجار را می‌شنود و عرب‌نیوز خبر این فاجعه را تیتر یک خود می‌کند. روزنامه عرب‌نیوز چاپ عربستان می‌نویسد: «بمبگذار پاکستان شهر مرزی یاکاگوند را ویران کرده و باعث مرگ ۶۵ نفر از شهروندان غیرنظامی [کودک، زن و...] شده است.» بمبگذار، موتورسوار بوده و عملیات انتحاری انجام داده است. عکس یک عرب‌نیوز هم ویرانی یاکاگوند را واضح و روشن نشان می‌دهد. خبر تبادل دو گروه جاسوسی روسی- امریکایی میان دو دولت نیز در صفحه اول عرب‌نیوز منتشر شده است.

الشرق‌الاوسط
ضرری در تشکیل دولت توسط علاوی نمی‌بینم

اوضاع عراق پیچیده‌تر از هر زمان دیگری است. ماه‌ها از انتخابات گذشته اما هنوز تکلیف دولت این کشور مشخص نیست. روزی حرف از ائتلاف روسای احزاب زده می‌شود و روز دیگر ماجرا فرق می‌کند. روزنامه عرب‌زبان الشرق‌الاوسط عربستان اظهارنظر نوری‌المالکی نخست‌وزیر عراق درباره آینده سیاسی این کشور را تیتر یک کرده است. المالکی در دیدار با مقامات سیاسی لبنان گفته: «در صورت اینکه رفتارهای سیاسی حزب العراقیه و آقای علاوی براساس قانون باشد و از چارچوب قانون اساسی عدول نکند، او می‌تواند دولت تشکیل دهد.» با این حساب باید منتظر باشیم ایاد علاوی نخست‌وزیر سابق عراق دوباره بر این مسند بنشیند. نکته قابل تامل در صفحه اول الشرق‌الاوسط عکس یک این روزنامه است که بی‌ربط به تیتر یک آن نیست. عکس یک، تصویر زنی است سیاهپوش و عزادار که در تشییع جنازه همسرش شرکت کرده است. عراق هفته پرانفجار و ناآرامی را پشت سر گذاشت. بغداد، پایتخت این کشور، محل این ناآرامی‌ها بود.

پنجاه سال کیهان، اطلاعات

روز ۲۳ تیر دنیا نابود نخواهد شد

فرنوش آباء

اطلاعات، بیست و یکم تیر ۱۳۳۹

«به هواپیمای بمب‌افکن دستور داده شد فرود آید.» شوروی یک بمب‌افکن شش‌موتوره امریکایی را که ناپدید شده بود، سرنگون کرده است. عکسی که از روی مجله معروف نیوزویک گرفته شده، هواپیمای شش‌موتوره را در حال پرواز نشان می‌دهد. «مصاحبه مهم با پیشوای شیعیان». حضرت آیت‌الله بروجردی فرمودند: شایسته است اقدامات موثرتری علیه موارد خمری صورت گیرد و اما خبر مرتبط بعدی: دبیرکل مبارزه با الکل ایران اعلام کرد: «به‌رغم خطرات الکلیسم برای جوامع خارجی، خطر الکلیسم ایران را تهدید نمی‌کند.» «ویگن پیدا شد». موقعی که دوستان ویگن در مرگ او ماتم‌زده بودند، ویگن در پلاژ بابلسر آواز می‌خواند. یکی از هنرپیشه‌ها با شنیدن خبر مرگ ویگن، به قصد خودکشی خود را به دریا انداخت. «مدعیان سرآمدن دنیا تغییر عقیده داده‌اند.» روز ۲۳ تیر دنیا نابود نخواهد شد. زیرتیترهای این خبر جالب را با هم می‌خوانیم: دسته‌ای از محصلین از ترس، مدرسه را ترک کردند. در ادامه این عنوان را می‌خوانیم: یک آزمایش عینی تاریخی: چشم و گوش مردم باز است. مردم ایران خرافاتی‌های مدعی سر آمدن عمر جهان را مسخره می‌کنند! دکتر امینی: محصول کار دولت فعلی، چیزی جز بالا بردن هزینه زندگی نبوده است. آنهایی که می‌خواهند بر مردم آقایی کنند، اول باید نوکری مردم را کرده باشند. گروهی از مسوولان مردم را برای سواری می‌خواهند و پس از رسیدن به مسوولیت، فقط گرد اتومبیل آنها را می‌توان دید. آگهی کفش‌های تابستانی در میان خبرهای جنجال‌برانگیز. دو مدل جدید تابستانی از محصولات کفش فردوس؛ «زور و ودت». مسوولان به فکر چاره‌اند: «کنگره کارشناسان زلزله‌شناسی برای علل زلزله‌های ایران و مکزیک و شیلی، جلسه‌ای برگزار کرد.»

کیهان، بیست و یکم تیر ۱۳۳۹

عکس یک کیهان، مردم هیجان‌زده توکیو را نشان می‌دهد که دست در دست هم علیه دولت کیشی و قرارداد امنیت ژاپن- امریکا تظاهرات کرده‌اند و اما تیتر یک: «در اولین روزهای استقلال، کنگو تجزیه شد». دولت کنگو از سازمان ملل تقاضای کمک کرد. کاتانگا، غنی‌ترین ایالت کنگو از دولت مرکزی جدا شد و اعلام استقلال کرد. به دنبال توافق شرکت‌های خصوصی و بنگاه برق: «۳۲ شرکت خصوصی برق تهران باید دولتی شوند.» گفته می‌شود شرکت‌های برق خصوصی صدهزار مشترک دارند. شناسنامه‌های بی‌اعتبار: «طبق تشخیص آمار عمومی، شناسنامه‌های فعلی به سهولت قابل جعل است.» و اما خبری داغ از کوی دانشگاه و محله دانشجویان: «دانشجویان امیرآباد که مجبورند تابستان در تهران بمانند، می‌توانند در کوی اقامت کنند.» موتور برق امیرآباد، تعمیر و سرویس اتوبوس بنز مانند سابق برقرار شده است. «تولید ملی ایران در آینده از شش درصد تجاوز خواهد کرد.» با استفاده از جوانان تحصیلکرده برنامه مثبت اقتصادی ایران پیشرفت می‌کند. «آب قنات‌های شمیران آلوده است.» براثر آلودگی آب‌ها، خطر شیوع بیماری بیشتر شده است. از جمله کسانی که به آلودگی کمک می‌کنند، مشکداران و سقاها و رختشوها هستند. «داداش هنگام بندبازی». در عکس این خبر، بندباز معروف را در مشکین‌شهر می‌بینیم. بعضی از مردم می‌گویند داداش یک فرد عادی نیست، بلکه یک جادوگر است. عکسی جالب در صفحه سوم کیهان چاپ شده با این عنوان: «افسر قلابی شهربانی، زندانی ۹۰۹۴ زندان آبادان بوده است». «مردی که در کیف خود تریاک حمل می‌کرد، در جواب ماموران برای تفتیش خود گفت: سر بریده در کیف من نیست!» قابل توجه دانش‌آموزانی که عاشق سفر به فرنگ هستند! «۳۰ نفر از بهترین دانش‌آموزان کشور به اروپا اعزام می‌شوند.» «یک کارگر آبادانی پس از ۱۷ سال کوشش، کتابی به نام پهلوی تالیف کرد.» بیشتر سلاطین و روسای جمهور و وزرا و هنرمندان در این کتاب شرحی نگاشته و امضا کرده‌اند.

پشت صحنه

لطفاً مجدداً بررسی شود...

حسام‌الدین مقامی‌کیا

زمانی که در روزنامه‌ای کار می‌کردم با دوستانی که بنا بر وظایف سازمانی، یا احساس وظیفه شخصی، یا چیزی شبیه به اینها، قرار بود روزنامه‌نگار باشند، پاراف‌های کنار مطالب و خبرها، حکایتی بود برای خودش. معاونان سردبیر هر روز مطالب متعددی را غیرقابل چاپ یا نیازمند اصلاح تشخیص می‌دادند؛ گاهی به دلایل نوشتاری و عمدتاً به دلایلی که معتقد بودند «ارزشی» یا «سیاسی» است. مثلاً خبر مرگ «مارلون براندو» از غول‌های بازیگری، از سوی یکی از معاونان سردبیر غیرقابل چاپ اعلام شد چون او را بازیگری دور از شئون اخلاقی می‌دانست. قضیه از این هم پیچیده‌تر بود حتی نام «عباس کیارستمی» احتیاط داشت.

نام خیلی‌های دیگر هم. نام «پرویز تناولی» و «بهرام بیضایی» که به قطع یقین ممنوع بود. باید صلاحیت کسی که درباره‌اش خبر می‌دادیم، از نظر سردبیر و معاونان تایید می‌شد. سینماگر و شاعر و خواننده هم فرقی نداشت. مجوز ارشاد هم افاقه نمی‌کرد؛ صلاحیت اخلاقی باید اختصاصاً توسط خود گروه سردبیری احراز می‌شد. مثلاً صلاحیت مرحوم «منوچهر آتشی» چندان برای تیم سردبیری محرز نشده بود. در یکی از ضمیمه‌های روزنامه، دبیر ضمیمه، صفحه‌ای را به منوچهر آتشی اختصاص داده بود. متن دست‌نویس را برای ممیزی تحویل یکی از معاونان سردبیر داده بود. معاون سردبیر در انتهای مطلب چیزی شبیه به این را پاراف کرده بود: «به نظر می‌رسد مواضع ایشان چندان با مواضع روزنامه همخوانی ندارد. لطفاً مجدداً بررسی شود».

فردای آن روز، صفحه منوچهر آتشی چاپ شده بود و با این جملات به پایان رسیده بود: «به نظر می‌رسد مواضع ایشان چندان با مواضع روزنامه همخوانی ندارد. لطفاً مجدداً بررسی شود»! یادم هست چند سال پیش در آن روزنامه، ستونی راه انداختم که آدم‌های خاص را به بهانه روز تولدشان معرفی می‌کرد؛ از مخترعان و مکتشفان، تا نویسندگان بزرگ و فلاسفه و هنرپیشگان؛ بیشتر، درباره کسانی که چندان ازشان شنیده نشده بود اما حکایت‌شان می‌توانست شنیدنی باشد. ممیزی‌های این ستون هم حکایت‌ها داشت.

یک روز شخصی را معرفی کردیم به نام «بولتون» که بیش از یک قرن قبل توانسته بود نخستین میلیونر امریکا بشود، آن هم با یافتن نفت. حکایت زندگی‌اش را کوتاه نوشتیم. سردبیر حذف کرد. پرسیدیم چرا؟ محجوبانه گفت: «یک وقت ممکن است از اجداد «جان بولتون» باشد، آن وقت به صلاح نیست.» حالا «جان بولتون» کی بود: نماینده وقت امریکا در شورای امنیت. گاهی فکر می‌کنم چقدر حیف است که ما این پاراف‌ها و دستورالعمل‌ها را جمع‌آوری نکردیم و بی‌اعتنا گذشتیم. مجموعه خواندنی کم‌نظیری می‌شد. راست گفته‌اند که «کمرنگ‌ترین مدادها از قوی‌ترین حافظه‌ها قدرتمندترند». از آن همه، چیز چندانی یادم نمانده ولی این یکی را اتفاقی توی دست‌نوشته‌هایم پیدا کردم: «معاون سردبیر، آقای [...]، در توضیح اینکه چرا باید خبر نمایشگاه مشترک «نادعلیان» با بزرگان مجسمه‌سازی دنیا را از صفحه حذف کنیم، این طور پاراف کرده: نادعلیان را نمی‌شناسم، مربوط به مجسمه‌سازی است که خیلی جای پرداختن ندارد، همچه افتخاری هم ندارد! همپالگی با مجسمه‌سازان دنیا.» راستی! گفتم مجسمه؛ از مجسمه‌های شهر که ناپدید شده بودند چه خبر؟

پنج دقیقه ایران

فرصت‌های بربادرفته

مجید یوسفی

*روزنامه همشهری در گزارش اختصاصی خود تعطیلی ۲۱ استان را به ناتوانی وزارت نیرو مربوط دانسته است. گزارشگر همشهری نوشته است: «ناتوانی وزارت نیرو برای تامین برق کشور باعث شد تا دولت به خاطر گرمای تابستان و ناپایداری شبکه برق کارمندان ادارات دولتی ۲۱ استان را به تعطیلات ناخواسته بفرستند. گزارشگر همشهری در ادامه افزود: ایران یکی از کشورهای دنیاست که تعطیلات رسمی آن زیاد است و اعلام تعطیلی‌های ناخواسته باعث اختلال در فعالیت اقتصادی شده است. تعطیلی کارمندان دولتی البته باعث اعتراض جامعه کارگری هم شده است. هیات دولت در اطلاعیه‌ای رسمی علت تعطیلی روزهای ۲۰ و ۲۱ تیرماه (امروز و فردا) را گرمای شدید و بی‌سابقه هوا و رفاه حال هم‌میهنان عزیز و صرفه‌جویی در مصرف انرژی اعلام کرده است. اظهارنظرهای ضد و نقیض هم البته کم نیست تا آنجا که سازمان هواشناسی اعلام کرده است: هیچ‌گونه توصیه‌ای به دولت برای تعطیلی استان‌ها نداشته است و دمای هوا بالاتر از میانگین نیست. اما معاون وزیر نیرو می‌گوید: گرمایی که ایران در حال تجربه کردن آن است، در ۷۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده است.

*روزنامه تهران امروز گزارش ویژه خود به قلم مریم موسی‌پور را به موضوع اعتصاب و تعطیلی بازار تهران اختصاص داده و به نقل از نایب رئیس شورای اصناف آورده که «تفاهم را قبول نداریم». موسی‌پور نوشته است: در حالی که اواخر هفته گذشته اصناف تصور می‌کردند مشکل پرداخت مالیات بر عملکرد سال ۸۸ را حل کرده‌اند، چهارشنبه هفته قبل با تشکیل اجلاس شورای اصناف، همه به خانه اول خود بازگشتند چرا که سازمان امور مالیاتی در تفاهمنامه‌ای که به امضای هر دو طرف رسیده بود، باز هم مبحث تعیین مالیات توسط کارگروه‌های استانی و شهرستانی را مطرح کرد و به نوعی اصناف را دور زد. برخی فعالان صنفی در گفت‌وگو با تهران‌امروز، در مورد دلیل امضای چنین تفاهمنامه‌ای که در آن برخلاف میل اصناف و پیش‌نویس اولیه، بندی گنجانده شده است، تصریح کردند: «متاسفانه گفته بودند تفاهمنامه دقیقاً بر اساس پیش‌نویس تهیه و تنظیم شده و چیزی از آن زیاد و کم نشده است!» درعین حال بر اساس نتیجه‌گیری‌ای از گفته اصناف، به‌نظر می‌رسد سازمان امور مالیاتی از اعتماد اصناف، به نوعی استفاده کرده و به این نحو امضای آنها را برای اجرای تفاهمنامه‌ای گرفته که خودشان تمایلی به اجرای آن ندارند.

* دکتر سیداحمد میرمطهری نیز در سرمقاله روز گذشته دنیای اقتصاد با ارائه گزارش صندوق بین‌المللی پول آورده بود تا پایان سال ۲۰۰۸ فقط ۱۳ اقتصاد در سطح جهان رشدی حدود هفت درصد به طور متوسط در سال و برای ۲۵ سال یا بیشتر داشته‌اند که در این ۱۳ کشور، ۹ کشور آسیایی بوده‌اند؛ از جمله چین، هنگ‌کنگ، اندونزی، ژاپن، کره‌جنوبی، مالزی، سنگاپور، تایوان و تایلند. کشورهای هند و ویتنام نیز به‌زودی به این فهرست اضافه خواهند شد. دلایل مشترک در موفقیت اقتصادی این کشورها در این خلاصه می‌شود که استراتژی اقتصادی آنها متمرکز بر ایجاد ساختاری رقابتی در بخش صنعت بوده است و در کنار آن، سیاست‌هایی را در پیش گرفته‌اند که بی‌ثباتی‌های اقتصادی و بی‌اطمینانی را از اقتصادهای خود دور